

گاہنامہ بانوان مقاومت



ویژہ

یک سال گذشتہ شورای بانوان ج.م.م.ا.

شماره دوم



 **NRF WOMEN**

گاهنامهء شورای بانوان جبهه مقاومت افغانستان

شماره 2

صاحب امتیاز: شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان

سردبیر: شبنم شهپر

طراحی و صفحه آرایی: دشنه انقلابی

هیئت تحریر: زهرا کاظمی، دکتر راضیه جويا، آزیتا نژند، سین دخت کابلی، دکتر فریال آمین،
صبح

شماره واتساپ: 98 930 217 4622

ایمیل آدرس: nrfwomenmedia@gmail.com



«ظلم امروز و آپارتاید جنسیتی که طالبان بر زنان افغانستان تحمیل کرده‌اند، به معنای واقعی زنده به گور کردن دختران در عصر جاهلیت است.»
احمد مسعود

فهرست مطالب

1- پیام سردبیر | شبنم شهپر | ص 1

بخش نخست: پیام ها

2- پیام مسوول شورای بانوان ج.م.ا. |

زهرا کاظمی | ص 3

3- مقاومت زنان افغانستان | پیام محترم

سید طیب جواد | ص 5

بخش دوم: گزارش عمومی

4- گزارش یک و اندی از فعالیت های شورا

بانوان ج.م.ا. | ص 7

بخش سوم: مقالات تحلیلی

5- 25 نوامبر، و سایه شوم طالبان... | اسین

دخت کابلی | ص 11

6- نقش دیاسپورا افغانستان در حمایت

زنان | صباح | ص 15

7- از خیابان تا جهان، پیام مقاومت

زنان... | دکتر فریال آمین | ص 18

بخش چهارم: روایت ها

8- نامه بانوی از کابل | ص 25

9- کودکی که زود بزرگ شد | ص 26

بخش پنجم: شعر و ادب

10- شعری از بانو حجسته الهام | ص 28

11- شعری از بانو هدا خموش | ص 29

12- شعری از شهید قهار عاصی | ص 30

بخش ششم:

13- چشم انداز شورا... | ص 31

14- تماس و همکاری با ما | ص 32



سخن سردبیر

مقاومت بانوان افغانستان

افغانستان با واژه مقاومت پیوندی طولانی و ناگسستنی دارد؛ چه در برابر یورش مغولان و چه در مقابله با جهل، افراط‌گرایی و خشونت سازمان‌یافته گروه تروریستی طالبان. در روایت‌های رسمی تاریخ، همواره نام مردان مقاومت برجسته شده است؛ اما همان‌گونه که در بسیاری از عرصه‌های دیگر دیده‌ایم، نقش و سهم زنان این سرزمین اغلب در حاشیه مانده یا نادیده گرفته شده است.

این در حالی است که مقاومت، تنها به سنگر و اسلحه محدود نمی‌شود. مقاومت، ایستادن بر هویت، آگاهی، کرامت انسانی و امید است؛ و زنان افغانستان سال‌هاست که حاملان خاموش، اما استوار این نوع مقاومت‌اند. آنان در سخت‌ترین شرایط، نه تنها بقا را انتخاب کردند، بلکه آگاهانه در برابر حذف، تحقیر و خاموش‌سازی ایستادند.

اکنون که این شماره مجله «بانوان مقاومت» به فعالیت‌های شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان اختصاص یافته است، فرصتی فراهم شده تا بخشی از این روایت پنهان اما تعیین‌کننده بازگو شود. شورای بانوان جبهه مقاومت ملی، تنها یک ساختار تشکیلاتی نیست؛ بلکه نماد اراده مردان و زنانی است که باور دارند آینده این سرزمین بدون حضور فعال، آگاهانه و شجاعانه هر دو قشر، قابل تصور نیست.

در یکی از جلسات کاری این شورا، جناب احمد مسعود خطاب به بانوان حاضر چنین گفتند: «شما امروز در دو جبهه می‌جنگید؛ یکی جبهه مقابله با طالبان، که ما برادرانتان در کنار شما تا آخرین دم ایستاده‌ایم؛ و دیگری جبهه مبارزه با تفکر زن‌ستیز و مردسالار، که باید آن را هرچند به‌تنهایی، اما با قوت و اراده‌ای استوار پیش ببرید.»

این سخن، به‌روشنی نشان می‌دهد که رهبری مقاومت، به عمق ستمی که بر زنان این سرزمین روا داشته می‌شود آگاه است؛ ستمی که تنها به حضور فیزیکی طالبان محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در تفکری زن‌ستیز دارد. مقابله با این تفکر، نیازمند آگاهی‌بخشی، کار فرهنگی و مدنی و دادخواهی مستمر است؛ مسیری که زنان افغانستان با شجاعت آن را برگزیده‌اند.

شورای بانوان جبهه مقاومت ملی، دقیقاً در همین دو حوزه مبارزه و کنشگری فعال است. فعالیت‌های این شورا—از سازمان‌دهی و آگاهی‌بخشی گرفته تا کنش‌گری سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای—نشان می‌دهد که زنان مقاومت، نه قربانیان منفعل تاریخ، بلکه کنشگران آگاه آن‌اند. آنان در شرایطی که حذف سیستماتیک زنان به سیاست رسمی طالبان بدل شده، با شجاعت تمام، صدای اعتراض، مطالبه و حق‌خواهی را زنده نگه داشته‌اند.

بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان، با حضور مؤثر خود این پیام روشن را به جهان مخابره می‌کنند که زن افغانستان تسلیم نمی‌شود و اجازه نمی‌دهد به فراموشی سپرده شود. مقاومت زنان، تداوم همان ریشه‌ای است که قرن‌ها این سرزمین را زنده نگه داشته است؛ مقاومتی که شاید کمتر دیده شده، اما عمیق‌تر، ماندگارتر و آینده‌سازتر است.

بانوان مقاومت افغانستان اکنون در حاشیه تاریخ و صدایی گذرا در هیاهوی سیاست نبوده بلکه آنان حافظان وجدان بیدار یک ملت‌اند؛ زنانی که در تاریک‌ترین فصل‌ها، چراغ آگاهی را خاموش نکردند. امروز، در حالی که طالبان می‌کوشد زن افغانستان را از صحنه اجتماع، اندیشه و تاریخ حذف کند، حضور سازمان‌یافته و آگاهانه زنان در جبهه مقاومت ملی و دیگر نهادهای همسو، پاسخی روشن به این پروژه حذف است. این مقاومت، واکنشی احساسی نیست؛ بلکه انتخابی آگاهانه برای حفظ کرامت انسانی و آینده افغانستان است. تاریخ، روزی نه‌چندان دور، خواهد نوشت: افغانستان ایستاد، زیرا زنانی بودند که در صف مبارزه با برادران شان ایستادند.



بخش اول پیام ها

پیام مسوول شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برداران گرامی، آگاه و با عزت کشور عزیز ما افغانستان!

در روزگاری که سرنوشت کشور ما در یکی از حساس ترین مراحل تاریخ خود قرار دارد، زنان افغانستان همچون گذشته، اما این بار آگاه تر، استوارتر و هدفمندتر، در مسیر یک مبارزه مشروع و برخاسته از ارزش های اسلامی و انسانی گام برمی دارند. مبارزه ای که هدف آن نه تنها احقاق حقوق اساسی زنان، بلکه تأمین عدالت، آزادی، کرامت انسانی و مشارکت برابر در ساختار آینده کشور ماست.

ما باور داریم که اسلام، دین کرامت و دانایی میباشد و در اصل دین ما هیچ مانعی در حضور فعال زنان در جامعه وجود ندارد، از همین رو، خواسته های ما از حق آموزش و کار گرفته تا مشارکت سیاسی و حضور در تصمیم گیری های کلان ملی همه در چارچوب همین ارزش های اسلامی و انسانی تعریف می شود. زنان افغانستان امروز، نه در حاشیه، بلکه در متن تحولات آینده کشور ایستاده اند.

امروز بیش از هر زمانی افتخار می کنم که در کنار برداران مبارز و آزاده مان در جبهه مقاومت ملی افغانستان فعالیت می کنم. این جبهه را یک داعیه برحق، مردمی و ملی می دانم که برای آزادی، عدالت و آینده ای روشن مبارزه می کند. حضور ما زنان در این مسیر نه یک امر نمادین، بلکه بخشی اساسی از این حرکت است.



باعث مباهات است که در این صف مبارزاتی، از جایگاه رهبری تا سطوح مختلف فرماندهی، حمایت، احترام و باور عمیق نسبت به نقش زنان وجود دارد. این همسنگری، بیانگر آن است که مقاومت، نه تنها یک حرکت سیاسی و نظامی، بلکه یک جریان فکری و اجتماعی برای تحقق برابری و عدالت است.

مقاومت، راه آزادی و برابری است. همان گونه که قهرمان ملی افغانستان، احمد شاه مسعود، در مقاومت نخست بر نقش زنان و مشارکت سیاسی آنان در آینده کشور تأکید داشتند، امروز نیز این اندیشه و باور در تداوم همان مسیر زنده است. فرزند برومند ایشان، جناب احمد مسعود رهبر محترم جبهه مقاومت ملی افغانستان، نیز همواره بر حضور و نقش تعیین کننده زنان در ساختار آینده افغانستان تأکید کرده اند.

پیام مسوول شورای بانوان ج.م.م.ا.

نقل قولی که از ایشان در سالیاد قهرمان ملی در خطاب به شورای بانوان جبهه مقاومت ملی به یاد داریم، مایه افتخار و انگیزه ماست؛ ایشان با اشاره به فعالیتهای شورای بانوان نیز این مورد را بیان کردند: «به داشتن همسنگرانی چون شما افتخار می‌کنم و مایه افتخار است که از شما خواهران ما بشنوم و بیاموزم.» این سخن، تجلی باور به اراده، توانایی و جایگاه زنان در این مسیر تاریخی است.

امروز ما زنان در جبهه مقاومت ملی، با ایمان، آگاهی و اراده‌ای استوار ایستاده‌ایم. ما نه تنها برای حقوق خود، بلکه برای آینده‌ای آزاد، عادلانه و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اسلامی برای همه مردم افغانستان مبارزه می‌کنیم.

باور داریم که فردای افغانستان، بدون حضور فعال زنان، کامل نخواهد بود. و ما مصمم هستیم که این حضور را با عزت، آگاهی و مسئولیت‌پذیری تثبیت کنیم.

به امید روزی که آزادی، عدالت و برابری در سراسر افغانستان حاکم گردد.
 زهرا کاظمی
 مسوول شورای بانوان ج.م.م.ا.



پیام محترم سید طیب جواد سفیر سابق کشور در کشور شاهی انگلستان

مقاومت زنان افغانستان

چرا سرنوشت ساز است و برای پیروزی به چه نیاز است



اول: چرا سرنوشت ساز است

پیام من به بانوان مبارز و فرهیخته افغانستان روشن و صریح است:

مقاومت شما دعوتی برای ستایش قهرمانی یا تحسین شجاعت زیر سرکوب نیست. این مقاومت، بازشناسی نقش بنیادین شما در پاسداری از سرمایه اجتماعی، حیات سیاسی، و شالوده‌های نهادهای مدنی کشور است.

آنچه شما انجام می‌دهید صرف نافرمانی نیست؛ زنده نگه‌داشتن توان اجتماعی و نهادی جامعه‌ای است که بدون آن هیچ کشور و مردمی پایدار نمی‌ماند. با روشن نگه‌داشتن چراغ کم‌سوی آموزش، پاسداری از دانش، دفاع از کرامت انسانی، و گشودن راه‌های قانونی و بدیل در برابر بیداد آشکار، شما راه دشوار و تاریخی مردم افغانستان را برای ساختن کشوری نوین بر پایه شهروندی و قانون‌مداری ادامه می‌دهید.

شما استبداد را ثبت می‌کنید و بیداد را گواهی می‌دهید؛ و آنگاه که خاموشی بر ملتی تحمیل می‌شود، رسا، بی‌پروا و مسئولانه با جهان سخن می‌گویید. زنانی که ایستادگی می‌کنند، تنها صداهای پرشور سربلندی نیستند؛ نگهبانان سرمایه ملی و تاریخی افغانستان‌اند.

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند دادگری، رونق اقتصادی، بهداشت همگانی یا پیشرفت پایدار را نگه دارد، اگر آگاهانه نیمی از توان انسانی خود را از کار بیندازد. زنان افغانستان این حقیقت را نه در نظریه، بلکه در زندگی روزمره تجربه کرده‌اند — و بر همین بنیاد ایستادگی می‌کنند.

دوم: برای پیروزی به چه نیاز است

چالش پیش روی زنان افغانستان تنها گذر از سرکوب نیست؛ پایان دادن به طالبانیسم به مثابه یک اندیشه است — اندیشه‌ای ریشه‌دار در جزم‌اندیشی آیینی، خودکامگی، مردسالاری، و انکار کرامت انسان و برابری شهروندی زن. این پیکار، صرفاً رویارویی با چند چهره بی‌نام و بی‌چهره نیست؛ ایستادگی در برابر هر باور اقتدارگرایی است که می‌کوشد جامعه را با کنار زدن زن به‌عنوان انسان و شهروند مهار کند — چه به نام طالبان و چه به نام هر آیین، جریان یا فرهنگ دیگری که برابری و حق شهروندی زنان را انکار می‌کند. از این رو، پیروزی فراتر از کنار زدن چند چهره بدریخت و بدسرشت است.

۱. پیروزی را دگرگونی بنیادین فکری بدانیم، نه جابه‌جایی چند چهره

هدف آن است که اندیشه اقتدارگرا نتواند در جامعه‌ای نو بازتولید شود. زنان افغانستان همین امروز این راه را می‌پیمایند: آموزش می‌دهند آنجا که مکتب بسته است؛ سامان می‌آفرینند آنجا که سازمان‌یابی جرم شمرده می‌شود؛ و شهروندی را زندگی می‌کنند آنجا که انکار شده است.

۲. حقوق زنان را به بقا و آینده کشور گره بزنیم

حقوق زنان خواسته نیمی از جامعه نیست؛ ستون ماندگاری جامعه مدنی و کشورداری سالم است. آموزش، حضور حرفه‌ای، و برابری حقوقی پیش‌شرط‌های امنیت، همبستگی اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و قانون‌مداری‌اند. از این رو، دفاع از حقوق زنان نه دنباله‌روی فرهنگی است و نه هم‌سوئی ایدئولوژیک؛ پایبندی آگاهانه به آینده کشور و جامعه ماست.

مقاومت را از ستایش فردی به یک زیست‌بوم اجتماعی Eco System ارتقا دهیم کار چهره‌های دلیر بی‌گمان ستودنی است؛ اما مقاومت کامیاب تنها با ساختن یک زیست‌بوم اجتماعی به ثمر می‌رسد—شبکه‌ای درهم‌تنیده از خانواده‌ها، آموزگاران، پیشه‌وران، دانشجویان، مردان و زنان، درون زنان افغانستان—همچون مردان افغانستان—حق کامل دارند شیوه و راه ایستادگی خود را برگزینند؛ هیچ مرجعی صلاحیت اخلاقی ندارد شیوه‌های مقاومت را بر کسانی که بهای آن را با جان و نام می‌پردازند، تعیین یا محدود کند. زنانی که با بیداد و استبداد، به بهای جان و حیثیت می‌ستیزند، خود صاحب اختیار و اقتدار اخلاقی‌گزینه‌ش راه مبارزه‌اند. هر کوششی برای مهار، هدایت اجباری یا بی‌اعتبار کردن این‌گزینه‌ها، بازتولید همان منطق سلطه‌ای است که با آن می‌جنگیم.





بخش دوم
کارنامه یک ساله شورا
بانوان ج.م.م.ا.

گزارش یک سال و اندی از فعالیت های شورای بانوان ج.م.م.ا.

شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان به عنوان یک جریان اصیل و نماینده‌ی اراده‌ی برحق مردم افغانستان برای دستیابی به آزادی، عدالت، و حاکمیت ملی، فعالیت‌های یک‌ساله‌ی خود را در چارچوب مبارزه‌ی فراگیر علیه استبداد طالبانی به انجام رسانده است. این شورا در سال ۲۰۲۲ تأسیس شد و از آن زمان تلاش‌های خستگی‌ناپذیری برای دادخواهی حقوق بشر، حمایت از جنبش‌های مدنی زنان، سازماندهی اعتراضات مسالمت‌آمیز، و مستندسازی جنایات ارتکاب یافته تحت حاکمیت کنونی را پیش برده است.

شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان به عنوان یک جریان اصیل و نماینده‌ی اراده‌ی برحق مردم افغانستان برای دستیابی به آزادی، عدالت، و حاکمیت ملی، فعالیت‌های یک‌ساله‌ی خود را در چارچوب مبارزه‌ی فراگیر علیه استبداد طالبانی به انجام رسانده است. این شورا در سال ۲۰۲۲ تأسیس شد و از آن زمان تلاش‌های خستگی‌ناپذیری برای دادخواهی حقوق بشر، حمایت از جنبش‌های مدنی زنان، سازماندهی اعتراضات مسالمت‌آمیز، و مستندسازی جنایات ارتکاب یافته تحت حاکمیت کنونی را پیش برده است.

هدف اصلی شورای بانوان، ایجاد چتری هماهنگ‌کننده میان زنان مبارز، مقاومت مسلحانه، و سایر اشکال مقاومت است، زیرا اتحاد میان نیروهای مختلف مقاومت برای دستیابی به تغییر بنیادین در افغانستان ضروری است. رئیس شورای بانوان، در سخنرانی‌های بین‌المللی، تأکید کرده است که جبهه مقاومت ملی تحت رهبری محترم آمرصاحب احمد مسعود، برای استقلال کشور، برقراری عدالت اجتماعی، آزادی و مساوات مبارزه می‌کند. این جبهه متعهد به حمایت از اصول دموکراتیک، حاکمیت ملی، حقوق بشر و حقوق زنان است و بر ضرورت احترام به کرامت انسانی و آزادی‌های بنیادی تأکید دارد. ما معتقدیم که بدون حضور فعال و مؤثر زنان در ساختار آینده‌ی افغانستان، توسعه، صلح و دموکراسی پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود و مشارکت همه‌جانبه‌ی زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تصمیم‌گیری‌های کلان، لازمه‌ی عبور از وضعیت موجود و رسیدن به یک نظم نوین عادلانه است.

این گزارش، مروری تاریخ‌وار و تحلیلی از فعالیت‌های سیاسی، حقوقی، رسانه‌ای، دیپلماتیک و تشکیلاتی شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان در فاصله‌ی اگست ۲۰۲۴ تا سپتامبر ۲۰۲۵ است. هدف گزارش، مستندسازی مبارزات، اقدامات و پیشرفت‌های این شورا در برابر سلطه طالبان و آپارتاید جنسیتی است.

بخش اول اقدامات تشکیلاتی و بیانیه‌های اولیه

فعالیت‌های شورا در اواخر سال ۲۰۲۴ عمدتاً بر تقویت ساختار داخلی، موضع‌گیری‌های حقوقی و سیاسی، و سازمان‌دهی واحدهای مختلف کاری تمرکز داشت، در این بازه زمانی شورای بانوان توانست ساختار تشکیلاتی، پلان کوتاه مدت و دراز مدت، واحدهای کاری و سایر بخش‌های مهم تشکیلاتی را تشکیل و ایجاد کند.

در ۵ دسامبر/۱۵ قوس شورا بسته شدن نهادهای طبی برای بانوان و قانون جدید ازدواج طالبان را «جنایت علیه زنان» خواند و خواستار رسیدگی دادگاه کیفری بین‌المللی شد.
در ۱۳ دسامبر/۲۳ قوس نیز دعوت‌نامه‌ای رسمی برای یک کنفرانس بین‌المللی در اسپانیا به دفتر شورا رسید.



در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ / ۳۰ سنبله شورا بیانیه‌ای در واکنش به نشست سازمان ملل منتشر کرد و از جامعه جهانی خواست از مشروعیت‌بخشی به طالبان خودداری کند. چند روز بعد، در ۲۷ سپتامبر / ۶ میزان ۱۴۰۳ در پی اقدام کانادا، آلمان، استرالیا و هلند برای ارجاع طالبان به دادگاه بین‌المللی دادگستری، شورا اعلامیه‌ای حمایتی صادر کرد و طالبان را «گروهی ضدزن و ضدبشری» خواند.

در ۱۸ اکتبر / ۲۶ میزان اعضای شورا همراه با شهروندان افغانستان در مقابل کاخ سفید گردهمایی اعتراضی علیه سیاست‌های آمریکا نسبت به طالبان برگزار کردند و خواستار قطع کمک‌های مالی به طالبان شدند. (یک قطعه عکس از جریان اعتراضات گذاشته شود. در هفته‌های بعد، شورا به صورت پی‌درپی بیانیه‌های حقوق بشری صادر کرد؛ از جمله در ۲۷ اکتبر/۶ عقرب در محکومیت سخنان وزیر امر به معروف طالبان و در ۳۱ اکتبر/۱۰ عقرب در حمایت از گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر.

در ۱۸ نوامبر/۲۸ عقرب رئیس شورا در جلسه ایالتی حزب سبزه‌های آلمان و رسانه‌های محلی فرانکفورت درباره نقض حقوق زنان افغانستان سخن گفت.

بخش دوم: فعالیت‌های دیپلماتیک و کنفرانس‌های بزرگ

سال ۲۰۲۵/۱۴۰۳ برای شورای بانوان با یک تحول تاریخی آغاز شد. انتخاب مسوول جدید به تاریخ: ۱۰ جنوری ۲۰۲۵ / ۲۰ جدی ۱۴۰، بانو زهرا کاظمی که قبلاً عضو هیئت رییس‌ه این شورا بود، طی یک رأی‌گیری رسمی در مجمع عمومی شورای بانوان جبهه مقاومت ملی، به عنوان رئیس شورای بانوان انتخاب گردید. این انتخاب، آغاز مرحله‌ای تازه و منظم در گسترش فعالیت‌های داخلی و بین‌المللی شورا محسوب می‌شود.

در ۱۹ می/۲۹ ثور شورا، نشست انتقادی بزرگی با حضور فعالان زن برای واکنش به طرح «موزاییک» یوناما برگزار کرد و آن را سازوکاری برای حذف صدای زنان مبارز دانسته و شرکت کننده‌ها از رویکرد یوناما به ویژه به دلیل نبود شفافیت در نحوه انتخاب نمایندگان و رویکرد سیاسی محافظه کارانه یوناما شدیداً انتقاد کردند.

از ۶-۱۲ جون/۱۶-۲۲ جوزا اعضای شورا در کنفرانس «فرا تر از قربانی بودن» در پارلمان بریتانیا شرکت کردند. در ۱۰ جون/زهرا کاظمی به عنوان سخنران کلیدی تأکید کرد که مقاومت ملی برای آزادی، عدالت و برابری مبارزه می‌کند و از جامعه جهانی خواست آپارتاید جنسیتی را به رسمیت بشناسد و کمک‌های مالی به طالبان را قطع کند.

در ۱۶ جون/۲۶ جوزا نیز واحد رسانه گزارش کامل سفر لندن، مجموعه ویدیویی تازه و بروشور معرفی شورا را منتشر کرد.

در ۸ جنوری / ۱۹ جدی شورا بیانیه‌ای درباره نشست OIC در اسلام‌آباد منتشر کرد و تأکید نمود که بحران افغانستان صرفاً به مسأله آموزش دختران محدود نیست، بلکه نیازمند یک تغییر سیاسی فراگیر است.

از ۱۴ تا ۲۸ فبروری/۲۶ دلو- ۱۰ حوت شورای بانوان کارزار تصویری هشتم مارچ را با شعار «روز جهانی زن؛ تجدید پیمان برای مبارزه با هرگونه سرکوب» به دو زبان فارسی و انگلیسی آغاز کرد. هم‌زمان آمادگی برای کنفرانس بزرگ ۸ مارچ روز جهانی زن در جریان قرار داشت.

در ۲۳ فبروری / ۴ دلو شورا با استقبال از حکم دادگاه کیفری بین‌المللی درباره بازداشت رهبران طالبان، این اقدام را «پیروزی عدالت» دانست.

در ۷ مارچ / ۱۷ حوت کنفرانس آنلاین روز جهانی زن برگزار شد که نقطه عطف مهمی در تاریخ شورا بود. برای اولین بار جناب آمرصاحب احمد مسعود در یک برنامه ویژه بانوان شرکت و به صورت مستقیم با جمعی از بانوان مبارز افغانستان صحبت کرد.

در ۱۹ می/۲۹ ثور شورا، نشست انتقادی بزرگی با حضور فعالان زن برای واکنش به طرح «موزاییک» یوناما برگزار کرد

بخش سوم

دیپلماسی بین المللی و فعالیت های بشردوستانه

در ۸ جولای / ۱۷ سرطان ۱۴۰۴ زهرا کاظمی در «Caux Democracy Forum» در ژنو شرکت کرد. دو روز بعد، در پنل ویژه افغانستان سخنرانی کرده و بر ماهیت آپارتاید جنسیتی طالبان تأکید نمودند.

در ۱۱ جولای / ۲۰ سرطان او با رئیس شاخه OHCHR در ژنو دیدار کرد و از سازمان ملل خواست از «بازگرداندن اجباری مهاجران به افغانستان» جلوگیری کند.

در ۲۱ جولای / ۳۰ سرطان واحد ارتباطات داخلی شورا بسته های غذایی برای حدود ۳۰۰ تن از مهاجران بازگشته از ایران توزیع کرد و کمک های نقدی به خانواده های شهدای مقاومت در پنجشیر رساند. همزمان واحد رسانه گزارش سفر سوئیس را منتشر و تدارکات کنفرانس ۱۵ اگست را آغاز نمود.

در همان روز، زهرا کاظمی در رسانه های آمو و قلمرو درباره حکم لاهه و بازداشت های اخیر دختران در کابل گفتگو کرد و در نشست با ریچارد بنت شرکت نمود.

در ۲۵ اگست / ۳ سنبله رئیس شورا در سه کنفرانس آنلاین سالروز سقوط حضور یافت و نشست های داخلی برای تعیین اهداف آینده شورا برگزار گردید.

در ۱۲ سپتامبر / ۲۱ سنبله کنفرانس بزرگداشت هفته شهید با موضوع «جایگاه زنان در دوران حیات قهرمان ملی» برگزار شد. این برنامه با حضور جناب احمد مسعود و رونمایی از اولین شماره گاهنامه بانوان ویژه «هفته شهید» همراه بود و به یکی از موفق ترین برنامه های سال شورا تبدیل شد.

در 6 دسامبر / 15 قوس برنامه مشترک با نهاد های دیگری به منظور 16 روز مبارزه علیه خشونت جنسیتی برگزار شد.

در ماه های بعدی تمرکز بیشتر شورا روی فعالیت های داخل افغانستان متمرکز بود که به دلیل حساس بودن موضوع از ذکر جزئیات این بخش در حال حاضر خود داری می شود.

از اول ماه مارچ / 15 حوت آمادگی برای برگزاری هشتم مارچ روز جهانی همبستگی زنان آغاز شد.

به تاریخ 5 مارچ / 20 حوت برنامه اسپس در پلتفرم ایکس با اشتراک کارشناسان در مورد مقاومت زنان افغانستان برگزار گردید.

در 8 مارچ / 23 حوت برنامه بزرگ مردمی با سخنرانی ویژه رهبری جبهه مقاومت ملی افغانستان جناب احمد مسعود در پلتفرم زوم برگزار گردید.

گزارش حاضر نشان می دهد که شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان طی یک سال و اندی، مسیری پرشتاب از گسترش فعالیت ها، حضور بین المللی، کنشگری حقوقی، مستندسازی جنایات طالبان، بسیج افکار عمومی و کمک رسانی بشردوستانه را پیموده است. انتخاب خانم زهرا کاظمی به عنوان رئیس شورا نقطه عطفی در انسجام تشکیلاتی و ارتقای جایگاه بین المللی شورا بود.

این تقویم مقاومت، تصویری روشن از تداوم مبارزه زنان افغانستان برای عدالت، آزادی و برابری ترسیم می کند.

بخش سوم زنان و مقاومت

۲۵ نوامبر؛ و سایه شوم طالبان بر زندگی زنان افغانستان



در چنین شرایطی، زن افغانستانی نه تنها با خشونت فیزیکی، بلکه با خشونت روانی، عاطفی، اقتصادی و اجتماعی نیز روبه‌روست. بسیاری از آنان در پی از دست دادن فرصت‌های آموزش و کار، به افسردگی‌های عمیق دچار شده‌اند و امید به آینده را از دست داده‌اند.

خاطر نشان باید کرد که از زمان تسلط طالبان، آمار خشونت‌های خانوادگی در افغانستان به شکل نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است. در حالی که پیش از آن نیز زنان در خانه‌ها قربانی خشونت‌های فیزیکی و روانی می‌شدند، اما حداقل نظام قضایی - هرچند ناقص - وجود داشت که زنان می‌توانستند برای شکایت و دادخواهی به آن مراجعه کنند.

امروز اما آن دروازه‌های عدالت بسته شده‌اند. دادگاه‌های ویژه خشونت علیه زنان منحل شده، وزارت امور زنان حذف گردیده و به جای آن (وزارت امر به معروف و نهی از منکر) ایجاد شده است؛ نهادی که خود ابزار تازه‌ای برای کنترل، تحقیر و مجازات زنان گردیده است.

در نتیجه، زنان افغانستانی امروز دیگر هیچ مرجع و پناهگاه قانونی برای شکایت ندارند. خشونت در خانه‌ها بی‌پاسخ می‌ماند، زیرا عامل اصلی خشونت در سطح کلان، خود ساختار حاکمیت است.

روز جهانی محو خشونت علیه زنان، یا ۲۵ نوامبر در واقع یادآور مبارزه‌ی جهانی علیه ستم، تبعیض و نقض حقوق زنان است. این روز مجالی است تا صدای زنانی شنیده شود که در زیر سایه‌ی نابرابری‌های ساختاری و خشونت‌های پنهان و آشکار، از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محروم مانده‌اند. در میان همه‌ی کشورهای درگیر بحران، وضعیت زنان در افغانستان یکی از دردناک‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین نمونه‌هاست؛ زنانی که زیر حاکمیت طالبان به تدریج از جامعه حذف شده‌اند و هستی‌شان در خطر فراموشی جهانی قرار گرفته است.

با بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، افغانستان به کشوری تبدیل شد که در آن (زن بودن) خود جرم پنداشته می‌شود. طالبان با وضع محدودیت‌های سختگیرانه و غیرانسانی، عملاً زنان را از عرصه‌های آموزش، کار، مشارکت اجتماعی و حتی حضور آزاد در فضاهاى عمومی حذف کرده‌اند.

تعطیلی مکاتب دخترانه بالاتر از صنف ششم، محرومیت زنان از تحصیل در دانشگاه‌ها، بستن دروازه نهادهای کاری و اداری به روی زنان، ممنوعیت سفر بدون محرم، و حتی ممانعت از ورود زنان به پارک‌ها، سالون‌های زیبایی و مراکز فرهنگی، از جمله سیاست‌های رسمی و سازمان‌یافته طالبان است که در ذات خود خشونت سیستماتیک به شمار می‌رود.

افزایش خودکشی در میان زنان و دختران جوان

یکی از فاجعه‌بارترین پیامدهای این وضعیت، افزایش بی‌سابقه‌ی آمار خودکشی در میان دختران و زنان جوان در افغانستان است. دخترانی که از تحصیل محروم شده‌اند، زانی که کار و استقلال خود را از دست داده‌اند، و مادرانی که در فقر و ناامیدی به سر می‌برند، دیگر روزه‌ای از امید در زندگی نمی‌بینند. هر روز گزارش‌هایی از ولایت‌های مختلف منتشر می‌شود که دختران جوان به دلیل فشارهای روانی، تحقیر، ناامیدی یا اجبار به ازدواج‌های اجباری، دست به خودکشی می‌زنند. این بحران خاموش، نماد سقوط روانی جامعه‌ای است که امید از آن رخت بر بسته است. اگر جامعه جهانی در برابر این وضعیت سکوت کند، افغانستان با یک فاجعه انسانی گسترده روبه‌رو خواهد شد؛ فاجعه‌ای که قربانیان اصلی آن زنان و دختران‌اند.

بی‌تفاوتی جامعه جهانی و فراموشی زنان افغانستان

یکی از دردناک‌ترین واقعیت‌ها، بی‌تفاوتی جامعه جهانی نسبت به وضعیت زنان افغانستان است. در حالی که در کشورهای دیگر در ۲۵ نوامبر شعار (نه به خشونت علیه زنان) طنین می‌افکند، زنان افغانستانی در تاریکی مطلق و سکوت جهانی، بسر می‌برند. واکنش‌های بین‌المللی در حد بیانیه‌های تکراری و وعده‌های دیپلماتیک باقی مانده است. هیچ سازوکار مؤثر، نظارتی یا تحریمی برای واداشتن طالبان به رعایت حقوق انسانی زنان اعمال نشده است. به نظر می‌رسد جهان زنان افغانستان را به فراموشی سپرده است؛ گویی زندگی و رنج آنان دیگر جزئی از وجدان بشری نیست.

پیامدهای تداوم این وضعیت

اگر محدودیت‌ها و خشونت‌های طالبان ادامه یابد، آینده‌ی افغانستان با تهدیدهای جدی‌تری مواجه خواهد شد:

1. افزایش فقر و وابستگی اقتصادی: حذف زنان از بازار کار، اقتصاد خانواده و کشور را ضعیف‌تر و وابسته‌تر می‌سازد.
2. بی‌سوادی نسل آینده: محرومیت دختران از آموزش، افغانستان را از نیروی فکری و خلاقیت نسل آینده تهی می‌سازد.
3. افزایش بیماری‌های روانی و خودکشی: فشارهای روانی و اجتماعی، به بحران روانی گسترده در جامعه منجر خواهد شد.
4. فروپاشی اجتماعی و خانوادگی: با حذف زنان از اجتماع، بنیاد خانواده و روابط انسانی متزلزل می‌شود.
5. تشدید بحران انسانی و مهاجرت: گسترش فقر، ناامیدی و بی‌عدالتی، موج‌های تازه‌ای از مهاجرت اجباری را به وجود خواهد آورد.

راه‌حل‌ها و پیشنهادات

برای مقابله با این وضعیت اسفبار و جلوگیری از فاجعه انسانی، مجموعه‌ای از اقدامات ضروری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باید روی دست گرفته شود:

1. ایجاد فشار بین‌المللی هدفمند بر طالبان: جامعه جهانی باید با وضع تحریم‌های سیاسی و اقتصادی هدفمند بر رهبران طالبان، آنان را وادار به رعایت حداقل حقوق زنان کند.
2. حمایت از نهادهای مدنی و زنان در تبعید: سازمان‌های جهانی باید از شبکه‌های زنان افغانستانی در بیرون از کشور حمایت مالی و سیاسی کنند تا صدای زنان داخل کشور خاموش نماند.
3. ایجاد کانال‌های امن ارتباطی برای زنان در داخل کشور:



باید راههایی برای گزارش خشونت، ارائه مشاوره روانی آنلاین و حمایت حقوقی امن برای زنان داخل افغانستان ایجاد شود.

4. بازگرداندن مسئله زنان افغانستان به اولویت دستورکار سازمان ملل:

مسئله زنان نباید در سایه‌ی بحران‌های دیگر جهان گم شود. افغانستان باید بار دیگر در مرکز توجه شورای امنیت و نهادهای حقوق بشری قرار گیرد.

5. سرمایه‌گذاری در آموزش غیررسمی و آنلاین برای دختران:

فراهم کردن زمینه‌های آموزش دیجیتالی و غیررسمی می‌تواند به تداوم یادگیری و حفظ امید در نسل جوان دختران کمک کند.

6. افزایش آگاهی و کمپین‌های جهانی:

رسانه‌ها، هنرمندان و فعالان حقوق بشر باید با کمپین‌های جهانی، صدای زنان افغانستان را به گوش جهانیان برسانند.

در اخیر باید گفت: **۲۵ نوامبر** تنها روزی نمادین نیست؛ بلکه فراخوانی برای عمل و مسئولیت انسانی است.

زنان افغانستان در سکوت و تاریکی، در برابر خشونت ساختاری و ستم بی‌رحمانه ایستاده‌اند. آنان به پشتیبانی جهان نیاز دارند، نه به ترحم و وعده‌های بی‌عمل.

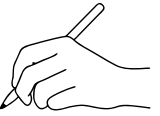
اگر جهان امروز برای نجات زنان افغانستانی اقدام نکند، تاریخ فردا سکوت ما را به عنوان شریکان ظلم به یاد خواهد سپرد.

امروز فریاد زنان افغانستان، فریاد وجدان تمام بشریت است.

سکوت در برابر این رنج، همدستی با ظلم است.

نقش دیاسپورای افغانستان در حمایت از زنان

صبح



مقدمه

در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از تحول سیاسی سال ۲۰۲۱ در افغانستان، نقش دیاسپورای افغانستان در حمایت از زنان بیش از پیش آشکار و حیاتی شده است. زنان افغانستان همچنان با تبعیض‌های ساختاری، دسترسی محدود به آموزش و محدودیت‌های اجتماعی گسترده مواجه‌اند؛ چالش‌هایی که در نتیجه‌ی بحران‌های سیاسی مداوم شدت یافته‌اند. در چنین شرایطی، سازمان‌ها و اعضای دیاسپورای افغانستان به عنوان کنشگران کلیدی ظهور کرده‌اند. آنان با بهره‌گیری از موقعیت‌های فراملی، شبکه‌های گسترده، و منابع انسانی و مالی خود، از حقوق زنان دفاع می‌کنند، فرصت‌های آموزشی فراهم می‌سازند، کمک‌های بشردوستانه ارائه می‌دهند و صدای زنان افغانستان را در سطح جهانی تقویت می‌کنند. این مقاله استدلال می‌کند که دیاسپورای افغانستان نقشی تعیین‌کننده در بهبود شرایط و توانمندسازی زنان افغانستان ایفا می‌کند؛ نقشی که از طریق مقابله با تبعیض، حمایت از آموزش دختران، ترویج رهبری زنان، ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه‌ی به‌موقع، و استفاده از هویت مشترک و همبستگی برای تقویت کنش جمعی تحقق می‌یابد. روش‌شناسی این پژوهش بر پایه‌ی مرور ادبیات علمی و گزارش‌های نهادهای انجام شده است و هدف آن پاسخ به این پرسش است که دیاسپورای افغانستان چگونه از زنان افغانستان حمایت می‌کند. منابع مورد استفاده بر اساس میزان ارتباط آن‌ها با فعالیت‌های دیاسپورا، حقوق زنان و آموزش در افغانستان انتخاب شده‌اند. پس از گزینش منابع، ایده‌ها، شواهد و دیدگاه‌های ارائه‌شده در آن‌ها با یکدیگر مقایسه و تحلیل شده‌اند تا مضامین مشترک و تفاوت‌ها شناسایی شوند. این روش به روشن شدن مهم‌ترین شیوه‌هایی کمک می‌کند که از طریق آن‌ها دیاسپورای افغانستان در بهبود وضعیت زنان نقش‌آفرینی می‌کند.

مرور ادبیات

کنشگران دیاسپورای افغانستان با به چالش کشیدن فعالانه‌ی تبعیض و حاشیه‌رانی، به بهبود وضعیت زنان کمک می‌کنند؛ تبعیض‌هایی که حقوق زنان و دسترسی آنان به منابع را محدود می‌سازند. این چالش‌ها جهت‌دهنده‌ی پاسخ بسیاری از سازمان‌های دیاسپورا (DOS) هستند. نخست، سازمان‌های دیاسپورا به همراه متحدان بین‌المللی خود، فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه‌ی دفاع از حقوق بشر انجام می‌دهند تا سیاست‌های تبعیض‌آمیز اعمال‌شده از سوی مقامات حاکم بالفعل را به چالش بکشند؛ تمرکز اصلی این فعالیت‌ها بر حقوق زنان و آزادی رسانه‌ها است (DEMACE 2022 ص. 11، 60).

دوم، این سازمان‌ها با نابرابری‌های موجود در توزیع کمک‌ها مقابله می‌کنند؛ نابرابری‌هایی که به‌ویژه زنان آسیب‌پذیر و اقلیت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این راستا، برخی سازمان‌ها بر حمایت از گروه‌های قومی خاص، مانند هزاره‌ها، تمرکز دارند که به‌طور تاریخی به دلیل مذهب با تبعیض مواجه بوده و از دسترسی به منابعی چون آموزش محروم مانده‌اند (DEMACE 2022، ص. 26). سوم، گروه‌های دیاسپورا می‌کوشند عدم توازن جنسیتی در نظام توزیع کمک‌ها را اصلاح کنند و با نقد ساختارهای مردسالارانه، خواستار مشارکت کامل زنان در تمامی مراحل ارائه‌ی حمایت‌ها هستند (DEMACE 2022، ص. 26). این تلاش‌های هدفمند به ایجاد دسترسی عادلانه‌تر به کمک‌ها و فرصت‌ها برای زنان در معرض خطر کمک می‌کند و مسیر روشنتری به سوی توانمندسازی، به‌ویژه از طریق آموزش، فراهم می‌سازد.

دیاسپورای افغانستان همچنین به‌طور فعال از آموزش دختران حمایت می‌کند و آن را راهبردی اساسی برای بهبود آینده و استقلال زنان می‌داند. آموزش به عنوان ابزاری بنیادین برای توانمندسازی شناخته می‌شود که به استقلال و افزایش اعتمادبه‌نفس می‌انجامد (Changezi 2011، ص. 82). در پی محدودیت‌های شدید بر آموزش رسمی، بسیاری از سازمان‌های دیاسپورا تمرکز خود را از حمایت مدارس رسمی به تأمین مواد آموزشی برای کلاس‌های غیررسمی و آموزش‌های خانگی تغییر داده‌اند (DEMACE 2022، ص. 9). سوادآموزی به دختران امکان می‌دهد وظایف حیاتی روزمره را انجام دهند؛ از جمله خواندن دستورالعمل‌های پزشکی یا علائم راهنمایی، که گاه حتی می‌تواند جان افراد را نجات دهد و به آنان اجازه دهد به اعضای بی‌سواد خانواده کمک کنند (Changezi 2011، ص. 84). افزون بر این، آموزش استقلال و اعتمادبه‌نفس دختران را افزایش می‌دهد و به آنان کمک می‌کند آموزش را بر ازدواج زود هنگام ترجیح دهند و هنجارهای سنتی‌ای را به چالش بکشند که ازدواج را هدف اصلی زندگی زنان می‌دانند (Changezi 2011، ص. 85). تداوم دسترسی دختران به آموزش، حتی از طریق روش‌های جایگزین، به حفظ آینده‌ی فکری و اجتماعی افغان کمک می‌کند و امید را در میان دانش‌آموزان زن زنده نگه می‌دارد.

زنان دیاسپورا با ایفای نقش‌های نوین رهبری و استقلال، سهم قابل توجهی در بهبود وضعیت زنان افغانستان دارند. از نظر تاریخی، زنان افغانستان در دیاسپورا در حاشیه‌ی هویت ملی قرار داشتند، اما مهاجرت و درگیری‌های سیاسی موجب دگرگونی نقش‌های جنسیتی سنتی شده است (Changezi 2011، ص. 79-85). بسیاری از زنان دیاسپورا نقش‌های رهبری را در سازمان‌های جامعه‌ی مدنی، چه در داخل افغانستان و چه در خارج از آن، بر عهده گرفته‌اند (Haidari 2018، ص. 3). برای نمونه، پس از سال ۲۰۲۱، گروه‌های دیاسپورای افغانستان در ایتالیا اعتراضات، برنامه‌های حمایتی و کمپین‌های آگاهی‌بخشی متعددی برگزار کردند و فعالیت‌های خود را از گروه‌های کوچک محلی به عرصه‌ی عمومی گسترده‌تر توسعه دادند.

علاوه بر این، زنان دیاسپورا گاه نقش سنتی «نان‌آور» را بر عهده می‌گیرند، به‌ویژه زنانی که به دلیل جنگ همسر خود را از دست داده‌اند؛ تغییری که نشان‌دهنده‌ی تحول در نقش‌های جنسیتی است و می‌تواند الهام‌بخش سایر زنان باشد (Changezi 2011، ص. 86). رهبران زن برجسته در سازمان‌های دیاسپورا همچنین با مقامات افغانستان وارد گفت‌وگوی مستقیم شده‌اند و با پایداری خود، فضای سیاسی لازم را برای ادامه‌ی فعالیت سازمان‌های زن‌محور فراهم کرده‌اند. این نمایش آشکار از کنشگری و رهبری، تصویر زنان به‌عنوان قربانیان منفعل را رد می‌کند و نمایندگی قدرتمندی برای زنان داخل افغانستان فراهم می‌سازد.

سازمان‌های دیاسپورا همچنین کمک‌های بشردوستانه‌ی سریع و حیاتی ارائه می‌دهند که به بهبود امنیت و بقای فوری آسیب‌پذیرترین زنان کمک می‌کند. پس از بحران اکتبر ۲۰۲۱، تقریباً تمامی سازمان‌های دیاسپورا فعالیت‌های بشردوستانه را به اولویت‌های خود افزودند و به‌سرعت از پروژه‌های توسعه‌محور به کمک

های اضطراری تغییر جهت دادند (DEMACE 2022، ص. 34). بسیاری از پروژه‌های بلندمدت، مانند حمایت از کارآفرینی زنان یا آموزش خیاطی، به توزیع فوری مواد غذایی و غیرغذایی برای همان گروه‌های زنان تبدیل شدند (DEMACE 2022، ص. 9، 33). این سازمان‌ها به‌طور هدفمند گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان و خانوارهای زن سرپرست را با بسته‌های غذایی و بهداشتی ویژه حمایت می‌کنند (DEMACE 2022، ص. 31، 35، 56). افزون بر این، سازمان‌های دیاسپورا از شبکه‌های غیررسمی مانند سیستم حواله برای دور زدن نظام بانکی فلج‌شده و تحریم‌ها استفاده می‌کنند تا انتقال سریع کمک‌های مالی و حواله‌ها به خانواده‌ها و کارکنان داخل افغانستان، حتی در مناطق دورافتاده، امکان‌پذیر شود (IOM 2022، ص. 25-26). این بسیج سریع و استفاده از شبکه‌های محلی، اثربخشی و ارتباط پذیری کمک‌های دیاسپورا را نسبت به بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی افزایش می‌دهد.

دیاسپورای افغانستان با بهره‌گیری از ارتباطات فراملی و همکاری جمعی، صدای زنان افغانستان را تقویت و مؤثرتر می‌سازد. دیاسپورا به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که در بیش از یک کشور زندگی می‌کنند اما تاریخ و فرهنگ مشترکی دارند. با وجود دشواری‌های ایجاد یک سازمان ملی واحد به دلیل شکاف‌های قومی و سیاسی (IOM 2022، ص. 64-65)، میان سازمان‌های دیاسپورا توافق گسترده‌ای درباره‌ی ضرورت ایجاد شبکه‌های هماهنگی و پلتفرم‌های مشترک وجود دارد. این همبستگی به آن‌ها امکان می‌دهد بر اهداف مشترکی همچون مقابله با نقض حقوق بشر تمرکز کنند. سازمان‌های دیاسپورا همچنین از موقعیت فراملی خود برای لابی‌گری و کنشگری در برابر دولت‌های خارجی و نهادهای بین‌المللی استفاده می‌کنند تا چالش‌های زنان افغانستان در دستور کار جهانی باقی بماند (DEMACE 2022، ص. 25). هم‌زمان، حفظ ارتباط نزدیک با جوامع محلی به آن‌ها اجازه می‌دهد نیازهای واقعی مردم را به‌درستی شناسایی کنند و کمک‌هایی متناسب با شرایط محلی ارائه دهند و ویژگی‌ای که اغلب در اقدامات بازیگران بین‌المللی سنتی غایب است. این ترکیب دانش محلی و نفوذ بین‌المللی، صدای زنان را تقویت کرده و دامنه‌ی اثرگذاری آن را گسترش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

در مجموع، پژوهش‌های مربوط به دیاسپورای افغانستان نشان می‌دهد که این جامعه یکی از نیرومندترین حامیان زنان افغانستان است. دیاسپورا نه تنها با تبعیض مبارزه کرده و نظام‌های ناعادلانه‌ی توزیع کمک را به چالش کشیده است، بلکه دسترسی زنان به منابع اساسی را نیز بهبود بخشیده است. از طریق حمایت از آموزش دختران و تشویق به تغییر نقش‌های جنسیتی سنتی، مسیرهای تازه‌ای به سوی استقلال و اعتمادبه‌نفس برای زنان گشوده شده است. رشد رهبری زنان در سازمان‌های دیاسپورا الگویی قدرتمند برای زنان افغانستان در داخل و خارج از کشور فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که زنان می‌توانند کنشگرانی فعال، تصمیم‌گیرنده و پیشگام تغییر مثبت باشند. همچنین، کمک‌های بشردوستانه‌ی ارائه‌شده به زنان آسیب‌پذیر نشان می‌دهد که دیاسپورا در بسیاری موارد سریع‌تر و مؤثرتر از سازمان‌های بین‌المللی عمل می‌کند. در نهایت، با حفظ هویت مشترک و تلاش برای ایجاد همبستگی میان گروه‌های مختلف دیاسپورا، این جامعه می‌کوشد صدای زنان افغانستان را در سطح جهانی زنده نگه دارد و نیازهای آنان را در گفت‌وگوهای بین‌المللی مطرح سازد. به‌طور کلی، دیاسپورای افغانستان از طریق کنشگری، حمایت عملی و پیوندهای اجتماعی نیرومند، نقشی اساسی در تقویت حقوق، قدرت و آینده‌ی زنان افغانستان ایفا می‌کند.

References:

- Changezi, A. (2011). Education and empowerment of Afghan women: Challenges and strategies. Kabul: Afghan Education Press.
- DEMACE. (2022). Diaspora engagement and support for Afghan women: Annual report 2022. Kabul: Democratic Engagement Monitoring and Advocacy Center.
- Haidari, S. (2018). Women in Afghan diaspora: Leadership and social change. London: Afghan Diaspora Studies Institute.
- International Organization for Migration (IOM). (2022). Afghan diaspora networks and local development: Report on coordination and advocacy. Geneva: IOM.

از خیابان تا جهان، پیام مقاومت زنان افغانستان



دکتر فریال آمین

مقدمه:

افغانستان کشوری است که تاریخ آن در سایه جنگ، بی‌عدالتی و نبردهای قدرت شکل گرفته است. در این میان، زنان افغانستان بیش از هر قشر دیگری بار این وضعیت را بر دوش کشیده‌اند. آن‌ها سال‌ها محروم از آموزش، حق انتخاب، مشارکت اجتماعی و آزادی‌های بنیادین انسانی بوده‌اند. با این حال، برخلاف بسیاری از جوامع جنگ‌زده، زنان افغان هیچ‌گاه صرفاً نظاره‌گر این وضعیت نبوده‌اند؛ بلکه در سکوت، پنهان یا آشکار، همواره در برابر ساختارهای سرکوبگر ایستاده‌اند.

بازگشت طالبان به قدرت در اگست ۲۰۲۱، نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر افغانستان بود. بسیاری تصور می‌کردند بار دیگر صدای زنان خاموش خواهد شد، اما برخلاف این تصور، زنان از همان نخستین روزها به خیابان آمدند، صدای خود را بلند کردند و نشان دادند که سکوت گذشته تکرار نخواهد شد. تجمعات خیابانی زنان با شعار «نان، کار، آزادی» از یک حرکت محلی کوچک به یک پیام جهانی تبدیل شد؛ پیامی که در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب یافت و وجدان جهانی را به چالش کشید.

این مقاله با رویکرد پژوهشی و تحلیلی، می‌کوشد ابعاد تاریخی، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی مقاومت زنان افغانستان را بررسی کند؛ مقاومتی که از خیابان‌های کابل آغاز شد و اکنون به یک جنبش مدنی جهانی تبدیل شده است.

روش تحقیق و چارچوب پژوهش

این مقاله بر پایه‌ی تحلیل کیفی و محتوایی نوشته شده است و با نگاه تاریخی به روند مقاومت زنان افغانستان از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ پرداخته است. داده‌ها و اطلاعات پژوهش از منابع معتبر جمع‌آوری شده‌اند، از جمله گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند و گزارش‌های شورای امنیت سازمان ملل، همچنین مصاحبه‌های فعالان زن افغانستان در داخل و خارج کشور و مطالب منتشر شده در رسانه‌های معتبر بین‌المللی.

علاوه بر این، تحلیل محتوای شبکه‌های اجتماعی و بیانیه‌های شبکه مقاومت مدنی زنان افغانستان نیز به عنوان داده‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

چارچوب نظری این مقاله بر مفهوم مقاومت مدنی زنان و قدرت نرم در برابر ساختارهای اقتدارگرایانه استوار است. این دیدگاه کمک می‌کند مقاومت زنان را نه صرفاً به عنوان واکنش منفعل، بلکه به عنوان کنش آگاهانه، سازمان‌یافته و اثرگذار اجتماعی تحلیل کنیم.

با این رویکرد، مقاله قادر است نشان دهد که چگونه زنان افغانستان با اقدامات مسالمت‌آمیز، فعالیت‌های خیابانی، رسانه‌ای و دیجیتال، صدای خود را در داخل کشور و سطح جهانی منتقل کرده‌اند و پیام مقاومت خود را به شکل علمی و مستند ارائه داده‌اند.



پیش زمینه تاریخی مقاومت زنان افغانستان

به حقوق بنیادین انسانی دارد. در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، زنان افغانستان، به ویژه در کابل، هرات و مزار شریف، توانستند وارد عرصه های آموزش و کار شوند. دختران به مدارس و دانشگاه ها راه یافتند و زنان در نهادهای دولتی، مطبوعات و رسانه ها حضور یافتند. این دوره، آغاز شکل گیری نسلی از زنان آگاه و تحصیل کرده بود که بعدها محور مقاومت و تغییر اجتماعی شدند.

با قدرت گیری طالبان در سال ۱۹۹۶، بسیاری از این دستاوردها محدود شد. دختران از آموزش منع شدند، زنان از کار در نهادهای دولتی و عمومی حذف گردیدند و پوشش اجباری و محدودیت شدید رفت و آمد بر آنان تحمیل شد. با این حال، مقاومت خاموش زنان ادامه یافت: مدارس زیرزمینی و کلاس های مخفی در خانه ها و مساجد راه اندازی شد و هزاران دختر در سکوت و با خطر جان درس خواندند. این تجربه نشان داد که حتی در تاریک ترین شرایط، زنان افغانستان حاضر به پذیرش سرنوشت تحمیلی نبودند و ایستادگی و شجاعت در ذات جامعه زنان افغانستان وجود دارد.

پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، زنان وارد مرحله ای تازه شدند. آنان توانستند وارد پارلمان، دانشگاه ها، رسانه ها و نهادهای مدنی شوند و به یکی از بازیگران اصلی جامعه تبدیل گردیدند. فعالیت زنان در این دوره، نه تنها در حوزه آموزش و سیاست، بلکه در زمینه رسانه و فرهنگ نیز نمود یافت و شبکه های مدنی زنان شکل گرفت. این دستاوردها پایه و زمینه ای بود برای مقاومت مدنی گسترده در سال های بعد.

بازگشت دوباره طالبان در ۲۰۲۱، بسیاری از این دستاوردها را با خطر نابودی مواجه ساخت: دروازه های مکاتب و دانشگاه ها به روی دختران بسته شد، زنان از عرصه های کاری حذف شدند، رسانه ها سرکوب گردیدند و فعالان مدنی تهدید شدند.

تصویری از خاموشی کامل جامعه زنان پدید آمد، اما این بار، تجربه ای آزادی و دستاوردهای دو دهه گذشته باعث شد زنان سکوت نکنند. آنان حاضر نبودند حق آموزش، حضور اجتماعی و آزادی خود را از دست بدهند.

اینجا نقطه آغاز مرحله ای تازه از مقاومت زنان افغانستان است؛ مقاومتی که نه مسلحانه، بلکه مدنی، خلاقانه و شجاعانه است. زنان با تجمعات خیابانی، فعالیت های رسانه ای و دیجیتال، بیانیه ها و شبکه های حمایتی، نشان دادند که صدای آنان را نمی توان خاموش کرد و پیام آزادی و عدالت شان از خیابان های کابل تا صحنه جهانی طنین انداز شد. این مقاومت جلوه ای از شجاعت، امید و اراده زنان افغانستان است و الگویی الهام بخش برای جهان به شمار می رود.

شکل گیری مقاومت خیابانی و مدنی

تنها چند هفته پس از سقوط کابل در سال ۲۰۲۱، گروه های کوچکی از زنان شجاع در مناطق مختلف شهرهای بزرگ افغانستان، از جمله کابل، هرات و مزار شریف، به خیابان ها آمدند. آنان بنرهایی با شعارهای «نان، کار، آزادی» و «آموزش حق ماست» در دست داشتند و با وجود تهدید بازداشت، ضرب و شتم و تهدیدهای امنیتی، اعتراض کردند. این اعتراض ها در ابتدا بی سازمان و خودجوش بود، اما روحیه ای ایستادگی و همبستگی زنان باعث شد به مرور زمان، این حرکت ها به شکل شبکه های مدنی منسجم و سازمان یافته درآید، شبکه هایی که توانستند صدای زنان افغانستان را در سطح ملی و جهانی به گوش برسانند.

در هرات، زنان جوان، که بیشتر دانشجو یا معلم بودند، با استفاده از تلفن های همراه، شبکه های اجتماعی و پیام رسانی های امن، تجمعات را هماهنگ می کردند و اطلاع رسانی می نمودند.

پیام جهانی مقاومت زنان افغانستان

مقاومت زنان افغانستان، فراتر از مرزهای افغانستان، به یک پیام جهانی تبدیل شد؛ پیامی درباره عدالت، آزادی، برابری جنسیتی و کرامت انسانی. زنان افغانستان، با وجود محدودیت‌ها، تهدیدها و فقدان امکانات، صدای خود را بلند کردند و جهانیان را به یاد آوردند که حقوق بشر تقسیم‌پذیر نیست و برابری جنسیتی نه یک امتیاز لوکس، بلکه یک حق بنیادین انسانی است. آنان ثابت کردند که مقاومت و شجاعت می‌تواند حتی در شرایط سخت، تأثیری فراتر از مرزها داشته باشد و الهام‌بخش دیگر جوامع شود.

این جنبش با بهره‌گیری از رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های مدنی، توانست پیام خود را در سطح جهانی منتقل کند. داستان‌های زنان افغانستان، اعتراضات خیابانی و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی آنان، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی یافت. بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده جهانی، فعالان حقوق بشر و سیاستمداران زن، با زنان افغانستان ابراز همبستگی کردند و پیام آنان را به عنوان نماد مقاومت مدنی و غیرخشونت‌آمیز پذیرفتند. این حمایت جهانی، به زنان افغانستان قدرت و اعتماد به نفس بیشتری برای ادامه مبارزه بخشید و نشان داد که صدای آنان تنها در داخل کشور شنیده نمی‌شود، بلکه وجدان جمعی جهانی نیز با آن‌ها همراه است.

تجمعات و اعتراضات زنان افغانستان در سطح جهانی برگزار شد و پرچم آنان از خیابان‌های کابل تا سالن‌های سازمان ملل متحد به اهتزاز درآمد. شهرهایی مانند پاریس، برلین، تورنتو، دوشنبه و اسلام‌آباد شاهد تجمعات همبستگی با زنان افغانستان بودند. این رویدادها نه تنها پیام آنان را جهانی کرد، بلکه حساسیت جامعه بین‌المللی نسبت به وضعیت زنان افغانستان را افزایش داد و به شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی بین‌المللی منجر شد.

آن‌ها برنامه‌ریزی دقیق داشتند و می‌دانستند که هر تجمع کوچک، می‌تواند الهام‌بخش حرکت‌های بزرگ‌تر باشد. در کابل و مزار شریف، گروه‌های کوچک به صورت منظم به خیابان می‌آمدند و با صدای بلند خواهان حق آموزش، اشتغال و حضور اجتماعی زنان می‌شدند. این اعتراض‌ها حتی با وجود سرکوب خشونت‌آمیز، بازداشت‌های خودسرانه و تهدیدهای امنیتی، ادامه یافت و به نماد مقاومت مدنی در سراسر افغانستان تبدیل شد.

ویژگی برجسته و تعیین‌کننده این جنبش، رهبری زنانه و استقلال آن از گروه‌ها و ساختارهای سیاسی مردانه بود. زنان افغانستان نشان دادند که می‌توانند خود رهبر تغییر و آینده‌ی کشورشان باشند و دیگر منتظر کمک یا رهبری کسی نیستند. آن‌ها با ابتکار عمل، خلاقیت و شجاعت، حرکتی مستقل و خوداتکا شکل دادند که محدود به یک شهر یا منطقه نبود و به سرعت در سراسر افغانستان گسترش یافت.

یکی از ابعاد مهم این حرکت، استفاده هوشمندانه از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود. زنان از این ابزارها برای اطلاع‌رسانی، هماهنگی تجمعات، ثبت وقایع سرکوب و جلب توجه جامعه جهانی بهره بردند. این تاکتیک‌ها، جنبش زنان افغانستان را نه تنها در داخل کشور، بلکه در عرصه جهانی به یک نماد قدرت مدنی و غیرخشونت‌آمیز تبدیل کرد و الهام‌بخش زنان و فعالان مدنی در دیگر کشورها شد.

جنبش مدنی زنان افغان در این دوره، نمونه‌ای از قدرت نرم و اراده‌ی جمعی است که بدون استفاده از خشونت، توانست تغییر اجتماعی ایجاد کند و مقاومت در برابر ساختارهای اقتدارگرایانه را ممکن سازد. صدای زنان افغانستان از خیابان‌ها به رسانه‌های جهانی رسید و پیام آنها این بود: «ما موجودیم، ما می‌ایستیم و حق خود را پس می‌گیریم.» این مقاومت، جلوه‌ای از شجاعت، امید و اراده‌ی زنان افغانستان است و تصویری از صلابت و پایداری زنان در سخت‌ترین شرایط تاریخی ارائه می‌دهد.

کلاس‌های سوادآموزی مخفیانه در خانه‌ها، مساجد و حتی فضاهای عمومی کم‌تردد برگزار شد و هزاران دختر و زن در سکوت و با شجاعت به یادگیری ادامه دادند. علاوه بر این، شبکه‌های حمایتی و همبستگی اجتماعی برای حمایت از دختران و زنان در معرض تهدید ایجاد شد و آنان را در مسیر آموزش، امنیت و فعالیت اجتماعی همراهی کرد.

این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که مقاومت زنان صرفاً در خیابان‌ها یا تجمعات خیابانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در خانه‌ها، کوچه‌ها، صنف‌های مخفی، فضاهای آموزشی و حتی فضای مجازی جریان دارد. زنان با ابتکار عمل، خلاقیت و پشتکار، توانستند چراغ امید را برای نسل آینده روشن نگه دارند و نشان دهند که اراده‌ی آنان برای آموزش، حضور اجتماعی و عدالت، حتی در شرایط سخت، قابل توقف نیست.

یکی از پیام‌های مهم این مقاومت داخلی، ترویج فرهنگ ایستادگی و خوداتکایی در جامعه است. زنان با این حرکت، نه تنها خود را توانمند کردند، بلکه نقش الگویی برای خانواده‌ها و نسل جدید ایجاد نمودند. کودکان و نوجوانانی که شاهد تلاش‌ها و فداکاری‌های این زنان هستند، مفهوم آزادی، عدالت و مسئولیت اجتماعی را از نزدیک تجربه می‌کنند. به این ترتیب، مقاومت زنان به یک حرکت اجتماعی فراگیر تبدیل شده است که از خانه‌ها تا خیابان‌ها و از صنف‌های پنهان تا شبکه‌های مجازی، همه جا جریان دارد و ساختارهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این مقاومت، چراغ امیدی است برای آینده افغانستان و نشان می‌دهد که حتی در شرایط محدود و سرکوب، زنان می‌توانند با خلاقیت، شجاعت و همبستگی، تغییرات واقعی ایجاد کنند و جامعه را به سمت عدالت و برابری هدایت کنند.

پیام مقاومت زنان افغانستان، نماد قدرت نرم و اراده جمعی است؛ قدرتی که بدون خشونت، توانست توجه جهانی را به مسئله‌ای حیاتی جلب کند و نشان دهد که زنان می‌توانند حتی در شرایط محدود، موتور تغییر اجتماعی و الهام‌بخش عدالت جهانی باشند. این مقاومت، نمونه‌ای از شجاعت، خلاقیت و ایستادگی زنان در برابر ساختارهای اقتدارگرایانه است و پیام آن به سراسر جهان می‌رسد: «ما هستیم، ما می‌ایستیم و حقوق خود را مطالبه می‌کنیم».

پیام جهانی مقاومت زنان افغانستان همچنین تأکیدی بر این حقیقت است که صدای مقاومت زنان نه تنها صدای اعتراض، بلکه صدای وجدان جهانی است. این جنبش نشان داد که زنان می‌توانند با اتحاد، ابتکار عمل و بهره‌گیری از ابزارهای مدرن ارتباطی، تغییرات واقعی ایجاد کنند و پیام عدالت و آزادی را به جهان منتقل نمایند. مقاومت آنان الگویی الهام‌بخش برای همه زنان و فعالان مدنی در سراسر جهان است و یادآور این حقیقت است که حقوق بشر و برابری جنسیتی، مسئله‌ای جهانی است و مرز نمی‌شناسد.

تأثیرات داخلی مقاومت زنان

مقاومت زنان افغانستان، محدود به مطالبه‌ی حقوق جنسیتی و آموزش نیست؛ بلکه بازتابی از مقاومت کل جامعه در برابر استبداد و سرکوب است. این جنبش نه تنها صدای زنان را به گوش جهانیان رساند، بلکه الهام‌بخش مردان جوان، فعالان مدنی و گروه‌های اجتماعی شد و آنان را تشویق کرد که از این حرکت حمایت کنند و خود در مسیر تغییر و عدالت شریک شوند.

در بسیاری از ولایت‌ها، زنان با وجود تهدیدهای امنیتی و محدودیت‌های شدید، ابتکارات شگفت‌انگیزی را به اجرا گذاشتند. آنان حلقه‌های مطالعاتی و آموزشی غیررسمی تشکیل دادند تا دختران و زنان جوان بتوانند در امنیت نسبی درس بخوانند و مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای خود را توسعه دهند.

بازتاب جهانی و تأثیرات بین‌المللی

مقاومت زنان افغانستان، فراتر از مرزهای کشورشان، توجه و حمایت جامعه جهانی را جلب کرد و موضوع «حقوق زنان در افغانستان» را به صورت مداوم در دستور کار نهادها و سازمان‌های بین‌المللی قرار داد. سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر، عفو بین‌الملل و صدها نهاد مدنی در کشورهای مختلف بارها از طالبان خواستند سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان را تغییر دهند و زمینه دسترسی آنان به آموزش، کار و حضور اجتماعی را فراهم سازند. این فشارهای بین‌المللی، در کنار فعالیت‌های مدنی داخل کشور، کمک کرد که مقاومت زنان افغانستان از یک حرکت محلی به نمادی جهانی از مبارزه برای عدالت و برابری تبدیل شود.

در بسیاری از کشورهای جهان، جنبش‌های همبستگی با زنان افغانستان شکل گرفت و این مقاومت الهام‌بخش زنان و فعالان حقوق بشر در دیگر نقاط جهان شد. تجمعات اعتراضی، کمپین‌های رسانه‌ای و برنامه‌های فرهنگی در شهرهایی مانند پاریس، برلین، لندن، تورنتو و اسلام‌آباد برگزار شد و صدای زنان افغانستان را به گوش جهانیان رساند. این حمایت جهانی، علاوه بر تقویت روحیه زنان افغانستان، باعث شد که پیام مقاومت آنان یک نمونه الگویی برای جنبش‌های مدنی و حقوق بشری دیگر کشورها شود.

پیام زنان افغان نه تنها مربوط به افغانستان، بلکه برای تمامی زنان و مردان آزادی‌خواه جهان معنا دارد. آنان نشان دادند که مقاومت مدنی، شجاعت و ایستادگی می‌تواند مرزها را درنوردد، توجه جهانی را جلب کند و الهام‌بخش حرکت‌های اجتماعی دیگر شود. صدای آنان به شکل نمادین، از خیابان‌های کابل تا صحن‌های سازمان ملل متحد و شبکه‌های جهانی رسانه‌ای طنین‌انداز شد و جهانیان را به یاد اهمیت عدالت، حقوق بشر و برابری جنسیتی انداخت.

این بازتاب بین‌المللی همچنین اهمیت شبکه‌سازی جهانی و همبستگی میان فعالان مدنی را آشکار ساخت. مقاومت زنان افغانستان نشان داد که جنبش‌های محلی با رهبری شجاعانه و سازمان‌یافته می‌توانند به تحولات جهانی و تغییر نگرش‌های بین‌المللی منجر شوند و پیام آن‌ها به نسل‌های آینده نیز منتقل شود. این تجربه، الگویی الهام‌بخش برای همه زنان و مردان آزادی‌خواه در سراسر جهان است و یادآوری می‌کند که مقاومت مدنی می‌تواند جهانی شود و تغییر واقعی ایجاد کند.

چالش‌ها و تهدیدها

با وجود بازتاب جهانی و حمایت‌های بین‌المللی، مقاومت زنان افغانستان با چالش‌ها و تهدیدهای جدی و پیوسته‌ای روبه‌روست که مسیر مبارزه آنان را پر مخاطره کرده است. بازداشت، شکنجه و ناپدیدسازی اجباری فعالان زن، یکی از مهم‌ترین ابزارهای سرکوب است که بسیاری از زنان را با خطر جدی مواجه ساخته و موجب ایجاد فضای ترس و محدودیت شده است. این اقدامات نه تنها امنیت فیزیکی زنان را تهدید می‌کند، بلکه تلاش آنان برای سازمان‌دهی حرکت‌های مدنی و آموزشی را نیز دشوار می‌سازد.

در کنار سرکوب مستقیم، نبود رسانه‌های آزاد و مستقل مانع دیگری بر سر راه صدای زنان است. بسیاری از فعالان و خبرنگاران زن که می‌خواهند روایت واقعی وضعیت زنان را منتشر کنند، با محدودیت‌های شدید مواجه‌اند و امکان اطلاع‌رسانی مستقیم به جامعه داخلی و جهانی برایشان محدود شده است. این فقدان رسانه آزاد، هم باعث کاهش دیده‌شدن حرکت‌های مدنی و هم کاهش فشار بین‌المللی بر حکومت شده است.

محدودیت‌های شدید رفت‌وآمد، آموزش و کار نیز به شکل‌گیری شرایطی محدودکننده و خفقان‌آور کمک می‌کند. دختران از رفتن به مدارس و دانشگاه‌ها محرومند و زنان بالغ از حضور فعال در عرصه‌های شغلی و اجتماعی منع می‌شوند.

نتیجه گیری

مقاومت زنان افغانستان، یکی از درخشانترین جنبش‌های مدنی معاصر است و الگویی بی‌نظیر از شجاعت، اراده و امید در شرایط سرکوب را ارائه می‌دهد. این جنبش نشان داد که حتی در تاریک‌ترین لحظه‌های تاریخ، صدای زنان می‌تواند به روشنی امید و نور عدالت تبدیل شود. زنانی که از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی محروم شده‌اند، با شجاعت بی‌نظیر و ایستادگی خستگی‌ناپذیر، پیام آزادی، عدالت و برابری را نه تنها به جامعه داخلی، بلکه به جهان ارسال کردند.

مقاومت زنان افغانستان، صدای میلیون‌ها زن بی‌صدا است که سال‌ها خاموش نگه داشته شده بودند، اما اکنون با ابتکار، همبستگی و رهبری خلاقانه، خود را نشان داده‌اند. این جنبش وجدان جهانی را به چالش کشیده و توجه رسانه‌ها، نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی جهان را به حقوق بنیادین زنان در افغانستان جلب کرده است. همزمان، با ایجاد شبکه‌های مدنی، آموزشی و حمایتی، زنان راهی نو برای مبارزه مدنی غیرخشونت‌آمیز و سازمان‌یافته گشوده‌اند که الهام‌بخش جنبش‌های مشابه در دیگر نقاط جهان شده است.

تجربه مقاومت زنان افغانستان نشان می‌دهد که قدرت واقعی مدنی نه از خشونت، بلکه از اراده جمعی، خلاقیت و همبستگی سرچشمه می‌گیرد. از خیابان‌های کابل تا شبکه‌های دیجیتال و از صنف‌های مخفی تا صحنه‌های بین‌المللی، زنان افغانستان توانسته‌اند پیام روشنی ارسال کنند: ایستادگی در برابر ظلم و تبعیض ممکن است و حتی در شرایط محدود، تغییر قابل تحقق است.

فشارهای فرهنگی و سنتی در بسیاری از مناطق، مقاومت زنان را دشوارتر می‌کند و تلاش آنان برای تغییر نگرش‌های اجتماعی را با پیچیدگی‌های مضاعف مواجه ساخته است.

یکی دیگر از چالش‌های مهم، نبود حمایت عملی و ملموس بین‌المللی است. هرچند صدای زنان افغانستان در سطح جهانی شنیده می‌شود و سازمان‌های بین‌المللی بارها خواستار تغییر سیاست‌های تبعیض‌آمیز شده‌اند، اما اقدامات عملی و ملموس برای حفاظت از فعالان، ایجاد فضای آموزشی امن و تضمین آزادی‌های اجتماعی به میزان کافی انجام نشده است. این خلا، بسیاری از فعالان زن را وادار به تبعید و مهاجرت کرده و حرکت‌های مدنی را به خارج از مرزهای افغانستان منتقل کرده است.

با این حال، حتی در تبعید نیز زنان افغانستان دست از مقاومت نکشیده‌اند. آنان در کشورهای میزبان، با تشکیل شبکه‌های مقاومت، نهادهای مدنی و کارزارهای بین‌المللی، صدای زنان داخل کشور را تقویت می‌کنند و تلاش دارند که فشار جهانی برای تغییر سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان ادامه پیدا کند. این فعالیت‌ها نشان می‌دهد که مقاومت زنان محدود به خاک افغانستان نیست؛ بلکه یک جنبش فراملی و الهام‌بخش است که در تبعید نیز زنده و پویا باقی می‌ماند.

در تحلیل نهایی، این چالش‌ها و تهدیدها، اگرچه مانعی جدی بر سر راه زنان افغانستان هستند، اما همزمان قدرت، همبستگی و خلاقیت آنان را بیشتر آشکار می‌سازند. زنان با ایستادگی در برابر سرکوب، ایجاد شبکه‌های مخفی آموزشی و رسانه‌ای، و بهره‌گیری از حمایت‌های بین‌المللی، ثابت کرده‌اند که مقاومت آنان نه مقید به محدودیت‌هاست و نه قابل خاموش کردن. این پایداری، جلوه‌ای از شجاعت، اراده و استقامت بی‌نظیر زنان افغانستان است و الگویی الهام‌بخش برای تمام زنان و فعالان مدنی جهان به شمار می‌رود.

تجربه مقاومت زنان افغانستان نشان می‌دهد که قدرت واقعی مدنی نه از خشونت، بلکه از اراده جمعی، خلاقیت و همبستگی سرچشمه می‌گیرد. از خیابان‌های کابل تا شبکه‌های دیجیتال و از صنف‌های مخفی تا صحنه‌های بین‌المللی، زنان افغانستان توانسته‌اند پیام روشنی ارسال کنند: ایستادگی در برابر ظلم و تبعیض ممکن است و حتی در شرایط محدود، تغییر قابل تحقق است.

جهان امروز نمی‌تواند چشم خود را بر این صدا ببندد. تاریخ روزی خواهد نوشت که زنان افغانستان، در تاریک‌ترین شب‌های کشور، ایستادند، مقاومت کردند و مسیر آینده را روشن ساختند. آن‌ها ثابت کردند که زنان افغانستان فقط قربانی نیستند؛ بلکه نیروی تغییر، امید و تحول‌اند. این پیام، نه تنها برای افغانستان، بلکه برای تمامی زنان و مردان آزادی‌خواه جهان الهام‌بخش و سرمشق است.

«ما زنان افغانستان فقط قربانی نیستیم؛ ما نیروی تغییر هستیم.»



بخش چهارم روایت ها

نامه بانوی از کابل

من زنی هستم که سالها از عمرم را در دوران جمهوریت در یکی از نهادهای دولتی سپری کردم. کار کردن برای من تنها وسیله‌ای برای تأمین معیشت نبود؛ کارم بخشی از هویت من بود، راهی برای اثبات توانایی‌هایم و نشانه‌ای از حضورم در جامعه‌ای که می‌خواستم در آن مفید باشم. هر صبح با نظم و امید از خانه بیرون می‌شدم با دوسیه‌ها، مسئولیت‌ها و آرزوهایی که باور داشتم ارزش پیگیری دارند. آموخته بودم که می‌توان با تلاش، صبوری و تعهد، جایگاه خود را ساخت؛ حتی در جامعه‌ای که راه برای زنان همیشه هموار نبوده است.

سالها درس خواندم، تجربه اندوختم و مهارت‌هایی به دست آوردم که حاصل زحمت و پشتکارم بود. در محیط کارم مسئولیت داشتم، نظر می‌دادم، تصمیم می‌گرفتم و احساس می‌کردم که دیده می‌شوم. کار کردن به من اعتمادبه‌نفس می‌بخشید و این باور را در من زنده نگه می‌داشت که وجودم معنا دارد و می‌توانم برای خانواده، اداره و جامعه‌ام مفید باشم. من نه به دنبال امتیاز ویژه بودم و نه مقام بالا؛ داشتن حق کار و امکان رشد برایم کافی بود.

امروز اما همه چیز تغییر کرده است. حالا دیگر کار ندارم؛ نه به این دلیل که ناتوان شده باشم یا انگیزه‌ام را از دست داده باشم، بلکه چون فرصت از من گرفته شده است. اداره‌ای که زمانی بخشی از زندگی روزمره‌ام بود، دیگر جایی برای من ندارد. میز کارم خالی مانده و سالها تجربه و دانسته‌هایم در سکوت و بی‌استفادگی رها شده‌اند. روزهایی هست که زمان برایم کند می‌گذرد؛ نه از سر بی‌کاری، بلکه از سنگینی پرسش‌هایی که در ذهنم بی‌وقفه تکرار می‌شوند.

بیشترین درد برای من از دست دادن معاش نیست؛ درد اصلی، از دست دادن نقش و معناست. این که بدانی توان داری، اما اجازه استفاده از آن را نداری. این که احساس کنی دیده نمی‌شوی، شنیده نمی‌شوی و حضورت به حاشیه رانده شده است. گاهی به گذشته فکر می‌کنم و از خود می‌پرسم آیا همه آن تلاش‌ها، سالها آموزش و تجربه‌اندوزی، باید چنین ناگهانی متوقف می‌شد؟

با این همه، هنوز خودم را نباخته‌ام. من همان زن هستم؛ باسواد، مسئول و متعهد. چیزی از توانایی‌هایم کم نشده است، تنها میدان عمل از من گرفته شده. باور دارم زنانی بسیار شبیه من وجود دارند؛ زنانی که سالها کار کردند، ساختند و آموختند، اما امروز در خانه مانده‌اند نه از روی انتخاب، بلکه از سر اجبار. روایت من فقط داستان یک فرد نیست؛ صدای خاموش نسلی از زنانی است که هنوز می‌توانند کار کنند، بیاموزند و به جامعه‌شان خدمت نمایند، اگر فرصتی برایشان فراهم شود.

کودکی که زود بزرگ شد

روایت فریور و سالار (اسم مستعار) دو طفل کارگر

فریور ۱۳ سال دارد و برادرش سالار ۱۰ ساله است. آنها خواهر و برادری هستند که نان‌آور خانواده‌ای هفت نفره شده‌اند؛ خانواده‌ای که پدرش به دلیل معلولیت و بیماری سرطان، توان کار ندارد. مصارف زندگی، کرایه خانه و هزینه‌ی درمان پدر، همه بر دوش این دو کودک افتاده است.

فریور در جاده‌ها خریطه می‌فروشد و سالار قلم. کرایه‌ی خانه‌ی آنها ماهانه ۳۰۰۰ افغانی است در حالی که عاید روزانه‌شان میان ۲۰ تا ۱۰۰ افغانی در نوسان است. درآمدی که نه‌تنها کفاف زندگی را نمی‌دهد، بلکه آنها را هر روز بیشتر در چرخه‌ی فقر فرو می‌برد.

شش ماه پیش، زندگی این دو کودک با تجربه‌ای تلخ‌تر و عمیق‌تر از فقر گره خورد. فریور و سالار همراه با شمار زیادی از اطفال کارگر، از روی جاده‌ها جمع‌آوری و بازداشت شدند. آنها سه شب و سه روز را در زندان سپری کردند روزهایی که هنوز هم آثار روانی‌اش در وجودشان باقی است.

به گفته‌ی فریور آنها در یک سلول تاریک نگهداری می‌شدند فضایی که شب و روز در آن قابل تشخیص نبود. در هر شبانه‌روز تنها یک وعده غذا داده می‌شد. دسترسی به آب بسیار محدود بود و برای پسرها تقریباً آبی در نظر گرفته نمی‌شد. برخوردها تحقیرآمیز و همراه با خشونت بود.

فریور و سالار شاهد لت‌وکوب اطفال دیگر بودند و خود نیز بارها مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند. فریور روایت می‌کند که با چشم‌های خود دیده است چگونه در جریان لت‌وکوب، دندان یک پسر ۱۲ ساله شکست. صدای گریه و فریاد کودکان از سلول‌های دیگر شنیده می‌شد و فضای زندان سرشار از ترس بود او حتی از اطفال شنیده بود مه مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند و برخورد طالبان آزار دهنده است.

سالار هر بار که می‌کوشید در برابر برخوردهای لفظی از خواهرش دفاع کند، با خشونت بیشتری روبه‌رو می‌شد. فریور همواره نگران بود که مبادا برادرش را از او جدا کرده و به سلول دیگری منتقل کنند نگرانی‌ای که لحظه‌ای رهایش نمی‌کرد.

تمام بازداشت‌شدگان، طفل‌های کارگری بودند که تنها جرم‌شان کارکردن برای زنده ماندن بود. هنگام رهایی، به آنها هشدار داده شد که در صورت بازداشت دوباره، مدت زندان‌شان افزایش خواهد یافت و ممکن است دیگر اجازه‌ی آزادی نیابند.

تفریور می گوید:

«اگر باز هم بازداشت شوم، مصارف خانه و به خصوص دواهای پدر مریض من چی می شود؟ من هیچ آرزویی ندارم جز این که پدرم خوب شود و من و برادرم بتوانیم درس بخوانیم.»

امروز، ترس به بخشی از زندگی روزمره ی این دو کودک بدل شده است. فریور می گوید هر روز که برای کار از خانه بیرون می شود، احساس می کند صدایی ترسناک پشت گوشش است صدایی که مدام هشدار می دهد شاید دوباره بازداشت شوند. این ترس آن قدر سنگین است که گاهی توان کارکردن را از او می گیرد.

روایت فریور و سالارتنها داستان دو کودک نیست؛ بلکه تصویر روشنی از وضعیت هزاران طفل کارگر است که در سایه ی فقر، خشونت و بی پناهی، کودکی شان را از دست می دهند. کودکانی که به جای مکتب و بازی، بار زندگی و ترس را به دوش می کشند.





بخش پنجم
شعر و ادب



هر سرباز یک وطن بود
با پرچمی بر دوش
و گلوگاهی پر از آهنگ آزادی

هر سربازی که به خون غلتید
وطنی با گلوی خونین
و کوه های شکسته غرور
میان اندوه «آزادی» را بدرود گفت

هر سربازی که به خون غلتید
دختری فرسنگ ها از شادمانی دور شد
و زنگ تعطیل مکتبی به صدا درآمد

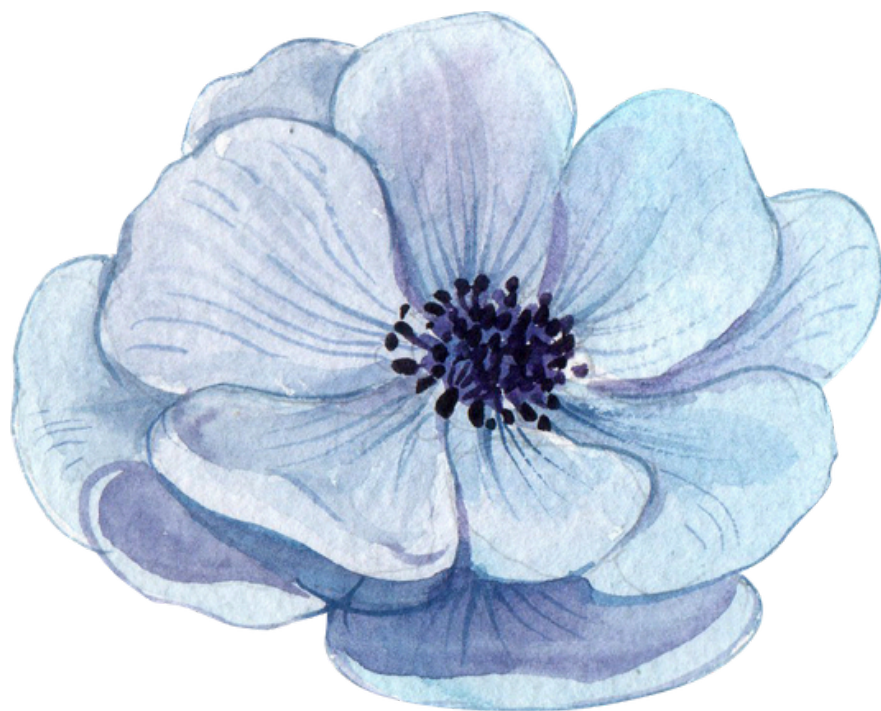
هر سرباز یک وطن بود
که گلوله به گلوله
رویا بافت
و دختران یک شهر را به روشنایی دعوت کرد

ما میان اندوه شانه های سربازان مان
عقابی می دیدیم پر از زخم های عمیق و غرور پر هیبت
و شاهینی شناور در آسمان پیروزی

ما در مردمک سربازان مان
آینه های می دیدیم
با انعکاس امید
و در سمت چپ سینه های شان
وطن های با بوی عشق
و عطر دل انگیز آزادی

وطن های ما
با گلوله در پیش چشم مان
و با گلوله در روی دامن مان افتادند
و وطن را چون آخرین عکس یادگاری با دوستان مان
و خدا حافظی های آخر
که در گلوی مان گیر کرده
و ما را در پهنای یک اندوه نا تمام
قاب کرده است
در خاطرات مان دفن کردند

خجسته الهام | شاعر و نویسنده

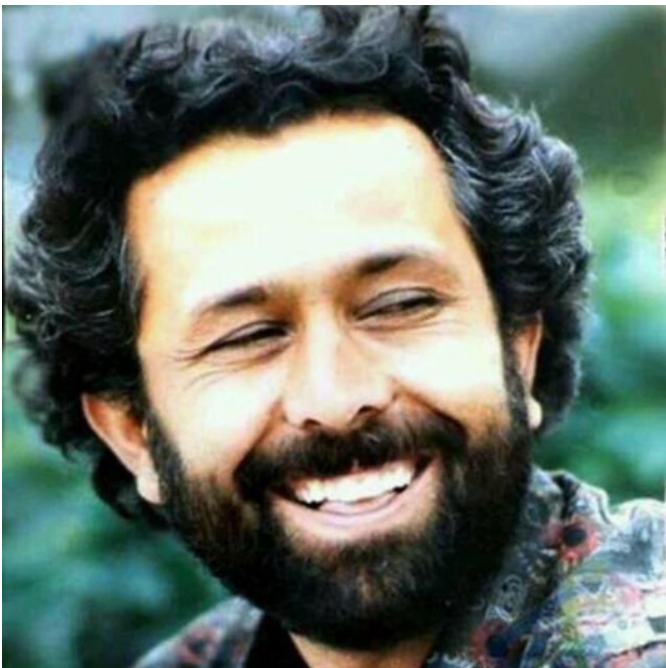


در انقراض تاریخم
 در انزوای شب‌نامه‌های آزادی،
 تو ای چریک
 پایت را بر پیشانی قلب من بگذار
 راه برو راه
 این راه سوخته رد پای برهنه‌ات را
 در توحش میدان جنگ نفس می‌کشد
 در دیار هم‌سنگرانت
 وقتی صدایت کبوتران آزادی را به پرواز می‌برد
 گلوله‌های گلوی تفنگات سرباز!
 راه انقلاب را به کوه‌پایه‌های هندو کش می‌رساند
 فریاد کن
 تا صدایت مادران خراسان را
 بر شالی‌زارهای بدخشان ببرد
 و بوی نان گرم، بر هوبه‌ی دخترکان شمال
 مست کند
 تا کستان‌هایی که شراب‌اش
 به رقص می‌آورد
 شاعران خفته در گورهای سرد را
 این نفس تو هست چریک!
 نفس دو باره‌ای کابل مرده
 که به استقبال تو برخواسته است
 به استقبال خون شهدای برچی
 و دخترکانی پریان
 که نقاشان راه آزادی‌اند
 پرچم داران برادران هندو کش
 در کوه‌پایه‌های پنج‌شیر!
 جنگ، شاه‌نامه‌ی بلندبست
 که پرچم عشق را بر آغوش کشیده
 از هم‌زمان‌ت‌ای مرد
 به اصفهان می‌رود
 به سمرقند و بخارا
 با دستان تو
 و بر کوه‌پایه‌های
 خراسان
 پرچم آزادی را بلند می‌کند.

هدا خموش | شاعر و نویسنده



درشت و هر چه درشت
 خشن تر از نگه زخم دوزِ همشهری
 گرفته تر ز دل آفتاب خانه قرن
 (جهنم من و تو)
 به برگ برگ کتاب سوادآموزی
 به لوحه لوحه مشق
 به برج برج جفا کاخ های سرخ و سپید
 به تخته تخته زندان های روی زمین
 به روی نان و به سرپوش شیشه های شراب
 به کنج کنج صلیب مسیح
 فراز منبر و پیشانی بت بودا
 به خط واضح و خوانا
 درشت و هر چه درشت
 به یک قلم بنویس:
 آزادی
 آزادی



پل علم لوگر - ۱۶ اسد ۱۳۶۳



بخش ششم چشم انداز و اهداف سال آینده

چشم انداز و اهداف سال آینده

شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان، پس از یک سال گسترش دامنه‌ی فعالیت‌ها، تثبیت جایگاه بین‌المللی و تقویت انسجام تشکیلاتی، اکنون وارد مرحله‌ی تازه‌ای از مبارزه‌ی هدفمند، حرفه‌ای و راهبردی می‌شود. تجربه‌ی این دوره نشان داده است که کنشگری مؤثر تنها در واکنش به بحران‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه نیازمند هدایت آگاهانه و پایدار یک گفتمان ملی و بین‌المللی درباره‌ی آپارتاید جنسیتی و آینده‌ی سیاسی افغانستان است. از همین‌رو، چشم‌انداز شورا در سال پیش‌رو، گذار از وضعیت واکنشی به مرحله‌ی کنشگری فعال، برنامه‌محور و تأثیرگذار در سطح ملی و جهانی است.

در این چارچوب، شورا در سال آینده تمرکز ویژه‌ای بر تقویت دیپلماسی زنان مقاومت خواهد داشت و می‌کوشد حضور خود را در پارلمان‌ها، نهادهای حقوق بشری و مجامع بین‌المللی گسترش دهد، پیگیری حقوقی پرونده‌ی آپارتاید جنسیتی طالبان را به‌گونه‌ای منسجم‌تر و رسمی‌تر دنبال کند و شبکه‌ای پایدار از حامیان بین‌المللی زنان افغانستان ایجاد نماید. هم‌زمان، گسترش و سازماندهی بدنه‌ی داخلی شورا در اولویت قرار دارد؛ به‌گونه‌ای که ساختارهای شورا در حوزه‌های رسانه، پژوهش، روابط بین‌الملل و بسیج مردمی منظم‌تر و کارآمدتر شوند و کادرهای جوان زن در عرصه‌های رهبری، سخنرانی، فعالیت رسانه‌ای و دادخواهی حقوقی آموزش ببینند.

یکی از محورهای اساسی فعالیت شورا در سال آینده، تمرکز بر مستندسازی سیستماتیک جنایات طالبان خواهد بود. در این راستا، جمع‌آوری شهادت‌ها، روایت‌ها و اسناد برای بهره‌برداری حقوقی و تاریخی و نیز توسعه‌ی پروژه‌های مرتبط با آرشیف حافظه‌ی مقاومت زنان افغانستان با جدیت دنبال خواهد شد تا این مبارزه‌ی تنها در لحظه، بلکه در حافظه‌ی تاریخی ملت افغانستان نیز ماندگار شود.

در کنار این تلاش‌ها، شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان گسترش جبهه‌ی فرهنگی و رسانه‌ای مقاومت را یک ضرورت راهبردی می‌داند و بر تولید منظم نشریات، ویژه‌نامه‌ها و محتوای چندرسانه‌ای تمرکز خواهد کرد تا بتواند روایت بدیل و انسانی را در برابر روایت طالبانی و روند خطرناک عادی‌سازی جنایت تقویت کند. همچنین شورا در سال آینده نقش فعال‌تری در بسیج مدنی و سازماندهی کمپاین‌های جهانی ایفا خواهد کرد و با طراحی کارزارهای هدفمند در مناسبت‌هایی چون هشتم مارچ، پانزدهم اگست، بیست‌وپنجم نوامبر و هفته‌ی شهید، خواهد کوشید مبارزه‌ی زنان افغانستان را هرچه بیشتر با جنبش‌های جهانی ضد آپارتاید، تبعیض و ستم پیوند بزند.

شورا باور دارد که تحقق این چشم‌انداز، گامی اساسی در جهت تبدیل مقاومت زنان افغانستان به یک نیروی پایدار، تأثیرگذار و تعیین‌کننده در آینده‌ی سیاسی و اجتماعی کشور خواهد بود.

ما باور داریم که طالبان یک واقعیت موقت‌اند، اما اراده‌ی زنان افغانستان یک نیروی تاریخی و ماندگار است. این شورا و این مسیر، تنها یک نهاد یا یک پروژه نیست؛ بخشی از تاریخ مقاومت ملت افغانستان است که توسط زنان نوشته می‌شود.

سال آینده، سال گسترش صدا، نفوذ و اثرگذاری زنان مقاومت خواهد بود.





تماس با ما

CONTACT US

 nrfwomenmedia@gmail.com

 www.nrfwomen.org

 +98 930 217 4622

دعوت به همکاری

شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان، خود را نه یک نهاد بسته و محدود، بلکه خانه‌ی مشترک همه‌ی زنان آزاده، متعهد و مسئول افغانستان می‌داند؛ زنانی که باور دارند سکوت در برابر ظلم، همدستی با ظلم است و مقاومت، یک وظیفه‌ی تاریخی است.

تجربه‌ی چهار سال گذشته شورای بانوان جبهه مقاومت ملی نشان داد که هر گام کوچک، هر قلم، هر صدا، هر تصویر و هر تلاش حتی اگر در تبعید، در خفا یا در شرایط دشوار باشد می‌تواند بخشی از یک جریان بزرگ ملی و تاریخی شود.

ما از همه‌ی زنان و مردان آزادی‌خواه افغانستان و حامیان بین‌المللی دعوت می‌کنیم که در عرصه‌های زیر با شورای بانوان همکاری کنند:

- نویسندگان، پژوهشگران و تحلیل‌گران برای تولید محتوا و مستندسازی
- شهروندان کشور، شاهدان عینی و روایت‌گران درد و مقاومت
- هنرمندان، طراحان، شاعران برای مبارزه فرهنگی و فکری
- فعالان مدنی و حقوق بشری برای کمپاین‌ها و دادخواهی بین‌المللی
- داوطلبان برای کارهای رسانه‌ای، سازماندهی و شبکه‌سازی

شورای بانوان باور دارد که مقاومت فقط در میدان جنگ نیست؛ در قلم، تصویر، روایت، حافظه‌ی تاریخی و ایستادگی مدنی نیز جریان دارد. به هر اندازه‌ای که ما هم و در کنار هم به این مبارزه و مقاومت ادامه بدهیم به همان اندازه می‌توانیم دشمن مشترک خود را به چالش کشیده سرنگون کنیم. اگر شما هم باور دارید که افغانستان بدون آزادی زنان آزاد نخواهد شد، جای شما در کنار ما خالی است.



کارتون این شماره:





در راس مبارزه و در خط مقدم مبارزه امروز بانوان کشور قرار دارد.
 امر صاحب احمد مسعود



گاهنامه بانوان مقاومت

شورای بانوان جبهه مقاومت ملی افغانستان یکی از پایه های اساسی این جبهه بوده که در واکنش به تسلط طالبان بر افغانستان و با درک رنج عمیق و محدودیت های جامعه افغانستان پایه گذاری شده است. این شورا برای تحقق حقوق بشر، حقوق زنان، برابری، عدالت اجتماعی، و ایجاد یک جامعه قانونی و معتدل از طریق فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسالمت آمیز مبارزه می کند.